

سخنرانی حجت الاسلام و المسلمین سید محمود هاشمی
سرپرست مؤسسه دایرة المعارف فقه اسلامی

موضوع صحبت من متضمن بعضی نکات بسیار مفیدی است که در سخنرانی آقایان اساتید ذکر شد. لذا مشخصاً در مورد مشکلاتی که جناب آقای عادلی در رابطه با مسایل جاری بانک مرکزی و مسایل دولت گوشزد کردند عرایضی را خدمت برادران عزیز عرضه می‌دارم و امیدوارم مورد قبول قرار گیرد.

نکته اول این است که سیستم بانکداری اسلامی و بانکداری ربوی با یکدیگر یک فرق اساسی و محتوایی دارند که این فرق می‌بایستی در کل سیاست‌گذاریهای بانکی و بانکداری مورد توجه دقیق قرار گیرد و تنها این نباشد که بانکداری اسلامی نهادهای حقوقی و عقود را جایگزین ربا و وام قرار دهد. این مقدار برای اسلامی کردن موسسات بانکداری کشور کافی به نظر نمی‌رسد چرا که روح بانکداری اسلامی در بخش بانکداری و سیاستهای بانکی می‌بایستی مورد نظر قرار گیرد. در کل سیاست‌گذاریها، معمولاً بانکها خدماتی را انجام می‌دهند و تسهیلاتی را دارند که بر اساس این تسهیلات و خدمات درآمدهایی را کسب می‌نمایند. خصلت مشترکی است بین بانکداری غیراسلامی و

اسلامی، ربوی و غیرربوی. بانکها، به ازاء این خدمت و تسهیلات حق دارند کارمزد دریافت نمایند چون این در حقیقت، یک عمل یک خدمتی است که از نظر اقتصادی ارزش دارد و از نظر حقوقی هم مورد قبول حقوق اسلامی و فقه اسلامی است. کاری است با ارزش و خدمتی است که کارمزد لازم دارد. در این قسمت فرقی میان بانکداری اسلامی و غیراسلامی نیست.

تفاوت عمده در استفاده از پول و درآمدی است که بانکها از محل سپرده‌ها دریافت می‌دارند. بانک غیراسلامی از نظر حقوقی و اقتصادی و همچنین از نظر تاریخی، پول را به عنوان یک شیئی یک کالا، یک مال، یک مال‌التجاره مطمح نظر قرار می‌دهد که می‌توان آن را مورد استفاده قرار داد و از آن سود برد. اخذ پول با بهره‌ای کمتر و اعطای آن با بهره بیشتر و درآمد حاصل از این شیئی به عنوان یک مال‌التجاره درآمد اصلی بانک ربوی را تشکیل می‌دهد. در بانکداری اسلامی این تصویر به کلی عوض می‌شود یعنی با حذف بهره و تحریم ربا، پول حالت اصالت خود را از دست می‌دهد و بانک به عنوان واسطه، به صاحبان این پول و کسانی که از این پولها و سپرده‌ها استفاده می‌کنند می‌اندیشد. به عبارت دیگر بحث اساسی واسطه بودن است بین صاحبان سپرده و افرادی که از این پول به عنوان مضاربه، مشارکت، جعاله و سایر عقود که در بانکداری اسلامی مطرح است استفاده می‌کنند. این حالت واسطه بودن، ویژگی خاص و مهمی است که می‌بایستی در بانکداری اسلامی حفظ شود و کلاً این مبتنی بر تحلیل فلسفی و نگرش است که اسلام به پول دارد. یعنی پول را از نظر تحلیلی به عنوان یک

وسیله مبادله مورد بررسی قرار می‌دهد گرچه از نظر حقوقی ممکن است پول کالا باشد، مال باشد، از نظر فقهی آثار مالی بر آن مترتب باشد، لکن اقتصاد اسلامی برای آن قائل به اصالت نیست و به عبارت دیگر نگرش اقتصاد اسلامی بر پول، وسیله مبادله بودن آن است و لذا تقاضای پول را تقاضای «اشتقاقی» فرض می‌کند و نه تقاضای مستقل و درآمدهای حاصل از آن را هم بر اساس همین تقاضای اشتقاقی توجیه می‌کند، یعنی قبل از رفتن این پول در کانالهای تولیدی و مبدل شدنش در کارهای تولیدی و سرمایه‌گذاریها، قائل به درآمد مستقل حاصل از آن نیست. برای این اصل مورد قبول و قابل اثبات، از نظر حقوقی شواهد زیادی هم در احکام فقهی اسلامی می‌توان پیدا کرد که این جهت را مشخص کرده باشد.

اقتصاد اسلامی، این جهت را قبول دارد که بانکداری می‌بایستی بین صاحبان سپرده و کسانی که می‌خواهند از سپرده استفاده کنند رابطه برقرار کند، و آنها را شریک کند در فعالیتهای اقتصادی البته با همان عقود و نهادهای حقوقی مذکور در قانون. لذا ما نباید روح مساله را از دست بدهیم و فقط شکل آن را عوض کنیم یعنی نهاد بانکداری را از شکل وام گرفتن و وام دادن مبدل کنیم به شکل مضاربه و مشارکت ولی سعی‌مان این باشد که همان سودهایی را که بانکداری غیراسلامی از پول به عنوان ابزاری که می‌توان با آن تجارت کرد فراهم می‌آورد بدست آوریم، از راه تفاوت نرخ‌های بهره به همان درآمدها برسیم این در حقیقت همان تغییر شکل بانکداری ربوی است. ما باید حتی المقدور سعی کنیم این پول سوق داده شود به مشارکتهای حقیقی در تولید، در

سرمایه‌گذاری، در فعالیتهای اقتصادی. بانکداری اسلامی باید سعی کنند این نقش را واقعاً ایفا نماید، بنابراین، نقش بانکداری اسلامی این نیست که صرفاً جدای از ربا و در ارتباط با عقود باشد. این تفاوت تنها جنبه حقوقی ندارد. جنبه محتوای اقتصادی و واقعی هم باید داشته باشد. نقش واسطه و جوه بین سپرده‌گذاران و مشتریان بانک در حدود و چارچوب قوانین و مقررات موضوعه و نه احیاناً توسل به طرقی که با نهادهای حقوقی و عقود اسلامی علی‌الاصول مغایرت دارد و به حیل‌های ربوی تعبیر می‌شود: مواردی که حضرت امام قدس سره در رابطه با مساله ربا بسیار حساسیت دارند. یکی از فتاوی ویژه امام تحریم حیل‌های ربوی است. در ربای قرضی، نظر برخی فقها هم این است که خیلی از معاملات ربوی در واقع تغییر شکلی است از قرض و بیع به معاملات مذکور. مسلماً نظامی که می‌خواهد اقتصاد اسلامی را در کل ابعادش پیاده کند، جهات اصلی و روح مسائل اقتصاد اسلامی را باید دنبال کند. در اقتصاد اسلامی جهتهایی است که مورد قبول اسلام نیست مثلاً در جامعه اسلامی، اقتصاد اسلامی، اینکه از خود پول به عنوان یک ابزار مهم استفاده شود، پول درآمدی از خودش داشته باشد چنین چیزی مورد قبول نیست، یا درآمدهایی که بر اثر انحصار و احتکار کالایی بدست می‌آید و موجب کاهش عرضه و افزایش قیمت آن کالا می‌شود قویاً و مطلقاً تحریم شده است.

مساله دیگر، مساله تضمین است. ما می‌توانیم از راه تفکیک بین تضمین واقعی و تضمین حقیقی این مشکل را حل کنیم. آنچه مورد نظر مردم قرار دارد، تضمین‌های واقعی است آنچه از نظر شرعی جایز نیست

تضمین‌های حقوقی است یعنی در باب این عقود اگر بنا باشد بانک سرمایه را تضمین کند و سود را هم تضمین کند، این همان وجه حيله شرعی است، همان رباست بانک می‌تواند تضمین واقعی بدهد بدون تضمین حقوقی، بدین معنی که از نظر حقوقی ضامن نیست ولی این را می‌تواند بگوید که چون این سپرده‌ها در مجموعه‌ای از مشارکتهای تولیدی داخل می‌شود و همه در سرمایه‌گذاری که مثلاً در این مدت ۶ ماه یا یک سال انجام می‌پذیرد نشر می‌کند و چنین نیست که هیچ سودی در کار نباشد، قطعاً سودی در کار خواهد بود، به عبارت دیگر در شرایط معمولی احتمال اینکه کل این سرمایه‌گذاریها و مشارکتهای که هر سپرده‌ای به نسبت خودش در کل آنهم سهام و شریک است - با خسارت مواجه گردد بسیار ضعیف است و یقیناً این تضمین واقعی است، انگیزه مردم هم بیشتر تضمین‌های واقعی است نه تضمین‌های حقوقی.

مساله دیگر مساله اوراق قرضه است که آقای دکتر عادل‌ی هم آن را در بحث خود مطرح کردند. انتشار اوراق قرضه، علی‌الاصول کار بانکی نیست. کار دولت است از مسئولیتهای دولت و سیاستهای دولت است، و اگر هدف، سوق به همان سرمایه‌گذاریهاست که با استفاده از سپرده‌های بخش خصوصی در بانکها صورت می‌پذیرد، این در حقیقت اسمش اوراق قرضه نیست. سرمایه‌گذاری است سرمایه‌گذاری در قبال انتشار اوراق سرمایه‌گذاری برای اجرای پروژه‌هایی است که زمان بیشتری را لازم دارند. مانند ایجاد سد، احداث راه و انجام کارهای اساسی در رابطه با توسعه اقتصادی اینچنین پروژه‌هایی را دولت از طریق انتشار این گونه اوراق سرمایه‌گذاری می‌تواند به مرحله اجرا در آورد.

مردمی که واقعاً سهام می‌شوند در مقابل انتشار اوراق سرمایه‌گذاری مثلاً در احداث سد، مالک آن سد می‌شوند به نسبت معینی. از این نظر، مانند اوراق سرمایه‌گذاری سپرده‌هاست که صاحبان سهام این اوراق در کل آن سهام هستند. اسمش هم قرضه نیست، قرضی در کار نیست. اوراق سرمایه‌گذاری است و چون کاری که شده است یک پروژه انتفاعی نیست، پروژه‌ای است که دولت قصد فروش آن را ندارد، می‌تواند پس از تکمیل آن را از صاحبانش بخرد. دولت حق دارد این پروژه‌ها را از این افراد بخرد. بدین ترتیب دولت به آن هدفی که در باب انتشار اوراق قرضه مطرح است نائل می‌شود. پس، به طور خلاصه، آنچه مهم است روح اقتصاد بدون ربا در جامعه است، مهم این است که به دنبال جهت‌های حقیقی باشیم و تنها به تغییر شکل ظاهری اکتفا نکنیم. والسلام